

نقش خانواده در تأمین امنیت و جایگاه پلیس در ارتقاء آن

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۱

سرטיפ ۲ پاسدار رحیمی خورشیدوند*

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۹/۲۱

چکیده:

یکی از موضوعاتی که در اعصار گوناگون ذهن بشر را به خود مشغول داشته است، مسأله امنیت است. اما ایجاد امنیت در جامعه و فراهم نمودن بسترهای مورد نیاز برای برقراری نظم و امنیت در جامعه به قانونمند بودن افراد جامعه وابسته است. از طرف دیگر خانواده، پایه و اساس ساختار اجتماعی بوده، به گونه‌ای که سلامت جامعه و خانواده به هم وابسته‌اند.

عوامل مختلفی در انحراف جوانان مؤثر است، از جمله جهل و بی‌خبری، ضعف عقیده و ایمان، عدم تسلط بر نفس، عدم مدیریت خود، ضعف اراده، وجود الگوی نامناسب که البته در خانواده می‌توان راهبردهایی برای مقابله با آنان به کار بست. راهبردهایی چون: آموزش تدریجی؛ ارائه الگوی مناسب؛ ممارست و ایجاد عادت؛ اقناع عاطفی؛ تداوم در شادی. بنابراین لازم است که همه اعضای خانواده، مخصوصاً والدین در ایجاد امنیت در جامعه مشارکت داشته باشند. در این مقاله روش‌های آگاهی‌بخش به والدین، تبیین مسئولیت‌ها و برانگیختن وجدان اخلاقی و اجتماعی و مبارزه با جلوه‌های ناامنی پیشنهاد و ارائه گردیده که ثابت می‌کند افزایش امنیت با افزایش فرهنگ خانواده‌ها ارتباط مستقیم داشته و این مهم جز از راه آگاهی‌بخشی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

کلید واژه‌ها:

امنیت، احساس امنیت، مشارکت، تولید امنیت.

*. جانشین فرماندهی مرزبانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

مقوله امنیت، قدمتی به وسعت تاریخ بشری دارد، جامعه‌ای سراغ نداریم که فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی روزگار را سپری کرده باشد. امروز بیش از همه ضرورت طراحی یک «جامعه امن» بر پایه‌های روابط و مناسبات سازگار نظیر «ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها»، «واقعیت‌ها»، «منافع و مصالح» و ... احساس می‌شود این مهم جز در سایه باور به این اصل که «امنیت» رفیع‌ترین «ارزش» یک جامعه است ممکن نیست (تاجیک، ۱۳۷۷).

موضوع امنیت از فرد شروع و به خانواده و جامعه منتهی می‌گردد. فرد ممکن است به دو دلیل احساس ناامنی نماید:

اول به دلیل عدم تربیت صحیح در خانواده که اساس شکل‌گیری شخصیت است؛ دوم احساس ناامنی به خاطر موقعیت و وضعیت خاص جامعه و عوامل مخلی که امنیت و احساس امنیت فرد را خدشه‌دار کند.

برخی از جامعه‌شناسان علت ارتکاب جرم را عوامل زیست‌شناسی می‌دانند. لومبرزو در نوشته‌های خود می‌نویسد که فرد مجرم از نظر جسمانی از فرد طبیعی عقب مانده‌تر است. از دیدگاه روان‌شناختی، کج‌روی عکس‌عملی است به مشکلات شخصیتی. در واقع کج‌روی‌ها ناشی از نوع آشفته‌گی روانی است. اما از دیدگاه جامعه‌شناسی، نوع و میزان انحراف در جامعه، نتیجه روابط متقابل کز رفتار ان بالقوه جامعه با مکانیزم‌های نظارت و کنترل اجتماعی یعنی سازمان پلیس است.

هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث می‌شود که پیوند فرد و جامعه ایجاد گردد:

- ۱- وابستگی؛
- ۲- تعهد؛
- ۳- درگیری؛
- ۴- اعتقاد (ممتاز، ۱۳۸۱).

تئوری هیرشی به شرح رفتارهای هم‌نوا می‌پردازد. آنان به رابطه میان توسعه خاص، روابط متقابل نقش‌ها به مثابه یک جریان همبستگی اجتماعی و یا ظهور رفتار انحرافی توجه کردند. برای مثال کاهش صمیمیت در روابط متقابل یا به عبارتی هرچه صمیمیت میان

اعضای خانواده کاهش یابد، جرم و بزه افزایش می‌یابد و بدین وصف بین کاهش صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده و میزان بزه‌کاری رابطه مستقیم وجود دارد (محسن تبریزی، ۱۳۸۳). البته تقویت هر یک از عوامل تئوری هیرشی در ارتباط با سازمان‌های مختلف از جمله رسانه‌ها، آموزش و پرورش و سازمان پلیس نقش دارند که در این رابطه اهداف پلیس را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

- ۱- استقرار نظم و امنیت؛
 - ۲- تامین آسایش عمومی و فردی؛
 - ۳- نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب.
- که البته دستیابی به هر یک از اهداف نیازمند مشارکت آحاد مردم و خانواده‌هاست.

مفهوم امنیت

اگر امنیت را به معنای «فراغت از تهدید» و به گفته «آرنولد و لفرز» ایجاد شرایطی که در آن بتوان اهداف را دنبال کرد بدانیم، بلافاصله مفهوم ذهنی و نسبی بودن آن متبادر می‌شود. ریشه لغوی «امنیت» از زبان عربی گرفته و در زبان فارسی متداول شده است و تقریباً با مفهومی یکسان مورد استفاده فارسی‌زبانان قرار گرفته است. در فرهنگ معین «امنیت» به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون ترس تعریف شده است.

امنیت را از حیث فراگیری می‌توان عمومیت داد، چون حوزه‌های مختلف جسمی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. امنیت همان آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد نماید. در ارتباط با زندگی افراد جامعه، امنیت عبارت است از فراهم شدن حالت و شرایطی که مردم در آن محیط، بیم و هراسی نسبت به احقاق حق و آزادی‌های اساسی مشروع خود نداشته و با آرامش خاطر به انجام فعالیت‌های مختلف خود بپردازند، در واقع امنیت یک پدیده ادراکی و احساسی است. یعنی این اطمینان باید در ذهن مردم، دولت‌مردان و زمامداران به وجود آید.

امنیت مفهومی است با دو بعد ذهنی و عینی که از بعد عینی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن، برای حفاظت و گسترش ارزش‌های اصولی و حیاتی ملی است. از بعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است. به همین جهت است که گفته می‌شود «امنیت یک وضعیت نسبی است، یعنی هرگز فرد در معیار خرد و کشور در مقیاس کلان، نمی‌تواند مدعی برخورداری از

یک امنیت صد در صد باشد. حال اگر تمام عوامل و امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی نیز در این راه به کار گرفته شوند» (کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۷).

همچنین امنیتی که مورد نظر اسلام است، امنیت همه‌جانبه است. اسلام هر نوع ایجاد ناامنی را ناروا می‌داند و هر نوع ایجاد رعب و وحشت را در دل‌های مسلمانانی که خلافی مرتکب نشده‌اند، روا نمی‌داند. امام علی (ع) فرمودند: روا نیست برای مسلمان که مسلمانانی را بترساند.

در اسلام دو نعمت بزرگ اما مجهول و مشهوریت خاص دارند و آن امنیت و سلامتی است (بحارالانوار ص ۱۷۰). در حقیقت سلامتی و امنیت دو نعمتی هستند که وقتی انسان هر دو را دارد، نسبت به آن‌ها غفلت دارد. البته عدم توجه کافی و غفلت از این دو نعمت گرانبها، گاهی خسارات سنگینی برای مردم در پی خواهد داشت. اسلام به قدری به امنیت مردم اهمیت می‌دهد که حتی نگاه به درون خانه دیگران را جایز نمی‌شمارد و بدون اجازه به خانه دیگران وارد شدن را از محرمات می‌شمارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی که حاصل تلاش حق‌طلبانه ملت مسلمان ایران است، به مسأله امنیت توجه خاص مبذول شده است.

در اصل بیست و دوم آن آمده است: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

قرآن کریم یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و جانشینی صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده است (سوره نور، آیه ۵۵). هم‌چنین در آیه دیگری شهری که از نعمت امنیت برخوردار باشد، به سرزمین آرمانی معرفی شده است (سوره نحل، آیه ۱۱۲). تامین امنیت از اهداف جهاد معرفی شده است (سوره بقره، آیه ۱۹۳). یا زندگانی بدون ترس و اندوه به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، نوید داده شده است (همان سوره، آیه ۶۲).

امام علی (ع) در سخنرانی خود، هدف از پذیرش حکومت را برقراری امنیت برای مردم بیان نمودند و باز در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرمایند: «رفاهیه العیش فی الامن» (غرورالحکم، ج ۴، ص ۱۰۰) رفاهیت زندگانی در امنیت است.

مقام معظم رهبری نیز پیرامون اهمیت امنیت فرموده‌اند: «در همه شئون زندگی، امنیت یک ضرورت برای انسان است. در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت، هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است» (گرامیداشت هفته ناجا، ۱۳۷۶).

نقش و جایگاه خانواده در تامین امنیت

خانواده خود یکی از ارکان مهم آموزش و تامین امنیت در جامعه است. همه رفتارها، حالات و سکنات والدین خود بزرگ‌ترین منبع آموزش مقولات امنیتی می‌باشد، فردی که در خانه خود در ناامنی به سر برده و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیمی در زمینه ارتباط برقرار کردن با دیگران دیده باشد، بعید به نظر می‌رسد بتواند رفتار سالم و موفقی را از خود بروز دهد و بالعکس. یکی از فضاها مؤثر در تکوین شخصیت، فضای خانه و روابط حاکم بر آن است. از وظایف عمده خانواده‌ها، فراهم کردن محیط مناسب برای پرورش فرزندان است. امر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در گذشته و قبل از تاسیس سازمان‌های رسمی آموزشی نظیر مکتب‌خانه‌ها، کودکستان، دبستان و دبیرستان به عهده خانواده‌ها بوده است (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۹). تأثیر خانواده بر خصوصیات شخصیتی و روانی افراد بسیار وسیع و پایدار است. کودکان بسیاری از رفتارها، نگرش‌ها، اعتقادات و ارزش‌های خود را در خانواده و از پدر و مادر و خواهر و برادر و... می‌آموزند. این آموخته‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت و بهداشت روان آنان تأثیر می‌گذارد و آن‌ها رفتار صحیح با دیگران، احترام به بزرگ‌ترها، کمک و همیاری و... را می‌آموزند. والدین باید آگاه باشند که کودکان همواره از رفتار و گفتار بزرگسالان و از طریق تقلید کردن و الگو قرار دادن رفتار و گفتار آنان چیز یاد می‌گیرند. ثبات عاطفی والدین موجب می‌گردد کودکان ارزش‌ها را درونی ساخته و از شخصیتی سالم و منسجم برخوردار شوند.

از آن‌جا که نهاد خانواده می‌تواند موجب یگانگی فرزندان خانواده با میراث اجتماعی و فرهنگی باشد، باید ضمن این امر، امنیت روانی مناسبی را به فرزندانشان انتقال دهند. خانواده که برترین گروه نخستین است با روابط صمیمانه، احساس وحدت میان اعضای خود را پدید می‌آورد. بسیاری از روابطی که در خانواده رواج دارد، عامل مهمی برای ایجاد تعارض در شخصیت فرزندان و در نتیجه رشد آنان با احساس ناامنی و در نهایت اشاعه این ویژگی در جامعه می‌باشد.

نقش دولت و جامعه در انطباق فرزندان با هنجارهای اجتماعی و برقراری امنیت بسیار مهم است. به نظر دورکیم «تعلیم و تربیت» امری اجتماعی است. لذا دولت با آموزش خانواده و سپس از طریق آن، زندگی جمعی را در کودک تثبیت می‌کند و موجب حفظ تقویت این

همگونی می‌شود لذا در این بین نهاد خانواده آنقدر باید توانمند گردد که بتواند به اصول ذیل در تربیت فرزندان توجه داشته باشد:

- اصل توجه به نیازهای روانی و جسمی؛
- اصل درونی ساختن قواعد و قوانین؛
- اصل اعتدال؛
- اصل اغماض و انعطاف‌پذیری؛
- اصل الگوپذیری و تقلید افراد؛
- اصل سازگاری اجتماعی؛
- اصل پیشگیری از ناهنجاری‌ها؛
- اصل احساس مسئولیت در مقابل خود و دیگران؛
- اصل خود ارزشمندی و ارزیابی رفتار و خودشناسی؛
- اصل پرهیز از زورگویی؛
- اصل مبارزه با تهدید و مشاجره؛
- اصل تشویق و تایید عمل؛
- اصل برقراری ارتباط عاطفی؛
- اصل رازداری و شکیبایی؛
- اصل محبت کردن به دیگران؛
- اصل قاطع و جدی بودن؛
- اصل پاکدامنی؛
- اصل آگاهی و خودباوری؛
- اصل مقصر ندیدن دیگران؛
- اصل پذیرش توانایی‌ها.

پلیس و امنیت

برخی از صاحب‌نظران تولید امنیت را از جنس پیشگیری می‌دانند و بین آن‌ها تفاوتی قائل نیستند، در حالی که تولید امنیت یک گام پیش از پیشگیری است. عده‌ای هم معتقدند در

صورتی که پلیس بتواند با اقتدار کافی نقش محوری در کنترل جامعه ایفاء کند، در نهایت آزادی فرد و جامعه تامین خواهد شد.

برای حفظ امنیت، پلیس باید بتواند در مورد همه جنبه‌های زندگی اجتماعی اطلاعات مختلف را جمع کنند سپس آن‌ها را تجزیه تحلیل کرده و راه کار و پیشنهاد ارائه نماید. از آن جا که پلیس به عنوان محوری‌ترین نهاد در برقراری امنیت و آسایش خاطر مردم می‌باشد و تلاش می‌کند با تعامل همه سازمان‌ها حداکثر امنیت و نظم را در جامعه برقرار نماید، لذا زمانی احساس امنیت محقق می‌شود که ملاحظات و آزادی‌های تک تک افراد مراعات گردد و نقطه عزیمت برای رسیدن به جامعه‌ای امن، امنیت فرد فرد شهروندان می‌باشد.

آن چه وظایف پلیس را تشکیل می‌دهد ترکیبی از درخواست‌های مردم، نیازهای اجتماعی و اقتضائات قانونی است. عملیات پلیس با تصمیماتی که در مورد اولویت‌ها و شیوه‌ها برمی‌گزینند، شکل می‌گیرد.

جامعه به پلیسی نیاز دارد که حفظ امنیت و پیشگیری مؤثر از جرم و بزه کاری و ناهنجاری را در اولویت فعالیت خود قرار دهد و برای اجرای آن بتواند برای تشخیص نیازها و ارائه طرح‌ها از همه کارکنان خود استفاده مؤثر کند. کارکنانی که خود از متن مردم بوده و با نیازهای عینی در تماس مستقیم هستند.

در چنین سازمانی مقامات مافوق نقش حامی را دارند و باید امکانات و اختیارات لازم را برای اجرای طرح‌های پیشگیرانه و برقراری امنیت فراهم کنند. پلیس دانایی محور، متکی به توانایی علمی و پژوهشی و شناخت عمیق محیطی و هوشمندی در یک ساختار مناسب و بر چند لایه، می‌تواند موانع فراروی در امر پیشگیری را به صورت منطقی و مصلحت‌آمیز برطرف نماید و کارآیی و اقتدار عملیاتی پلیس را در امر احساس امنیت و آرامش خاطر به مردم تقدیم نماید.

از ویژگی‌های جامعه جدید تغییرات مداوم و اساسی است که در جنبه‌های گوناگون جامعه رخ می‌دهد. تغییرات اجتماعی، با ایجاد نیازهای جدید و گسترش و تداوم آن‌ها عملاً موجب پیدایش و نهادینه شدن پدیده‌های جدید اجتماعی می‌شود. برخی از بخش‌های جامعه نه تنها تغییرات را در خود نپذیرفته‌اند، بلکه بعضاً در برابر تغییرات اجتماعی نیز مقاومت کرده‌اند. روابط میان واحدهای مختلف جامعه است که توسعه متوازن و همسان را ایجاد می‌کند. سازمان پلیس،

هم با قانون و مقررات در برقراری نظم و امنیت مرتبط است و هم با نهاد حکومت در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب ارتباط دارد. هم‌چنین با نهاد خانواده، فرهنگ، تعلیم و تربیت، اقشار و گروه‌های اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز مرتبط است.

از جمله نکات مهم دیگر در مجموعه سازمان پلیس که به عنوان حافظ منافع و نگاهبان نظم و امنیت جامعه می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد، برنامه‌هایی در جهت تثبیت و تداوم امنیت به عنوان مبنایی‌ترین نیاز مردم و جامعه است. به همین منظور نخستین هدف پلیس باید ایجاد اعتماد در میان مردم باشد. یکی از مبنایی اساسی سرمایه‌های اجتماعی اعتماد خانواده‌ها و در نهایت اعتماد جامعه است. چنان‌چه پلیس بتواند اعتماد افراد خانواده را به خود جلب کند، هماهنگ با تحولات اجتماعی در مسیر مستقیم توسعه قرار گرفته است.

از جمله شاخصه‌هایی که برای پلیس در مسیر توسعه و همراه با تحولات اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، دو شاخصه «کنترل» و «امنیت» است. موفقیت پلیس در کنترل الزاماً امنیت را به دنبال نخواهد داشت، در حالی که اگر «امنیت» هدف پلیس باشد، «کنترل» را هم به دنبال دارد. امنیت موجب نزدیکی مردم به پلیس و برقراری اعتماد بین آن‌ها خواهد شد. در حالی که «پلیس کنترلی» پلیسی است که مردم از او نگرانند، در تولید امنیت، اساسی‌ترین عامل خواست و مشارکت مردم است.

پلیس ابزاری برای اداره مطلوب جامعه است و داشتن این تفکر که در حوزه نظم و امنیت تنها از طریق اعمال قانون و برخورد تنبیهی می‌توان به نتیجه مطلوب رسید اندیشه نادرستی است. پلیس باید با بهره بردن از قدرت‌های تشویقی در درون جامعه نظم و امنیت را برقرار کند، چنین امنیتی کم‌هزینه ولی پایدار خواهد بود. امنیت به بلوغ شهروندی و آگاهی مردم و خواست آن‌ها و سلامت مناسبات جمعی و روابط اجتماعی بستگی دارد، پلیس ابتدا باید امنیت را برقرار کند و سپس آن را درونی‌سازی و در مرحله بعد به آن عینیت ببخشد تا رفتارها در جامعه دقیقاً منطبق با شاخص‌های تعریف شده نظم و امنیت باشد.

پلیس موفق باید اصولی را سرلوحه خویش قرار دهد تا بتواند امنیت را در جامعه برقرار کند. این اصول عبارتند از:

- ۱- اصل پیشگیری در اقدامات پلیسی؛
- ۲- اصل تقدم امنیت نرم‌افزاری و اقتدار اطلاعاتی؛

- ۳- اصل جامعه محوری؛
 - ۴- اصل جامعه‌نگری در رابطه با نظم و امنیت؛
 - ۵- اصل هماهنگی نظام‌مند و فرابخشی؛
 - ۶- اصل پویایی و انعطاف‌پذیری؛
 - ۷- اصل گستردگی و فراگیر بودن امنیت؛
 - ۸- اصل نهادینه شدن و پایداری؛
 - ۹- اصل دقت، صحت عمل و سرعت در اجرای ماموریت؛
 - ۱۰- اصل تخصصی شدن ماموریت‌های پلیس؛
 - ۱۱- اصل فراجناحی بودن پلیس؛
 - ۱۲- اصل آمایش سرزمینی و پراکندگی جرم و بزه؛
 - ۱۳- اصل مشارکت و نظارت همگانی؛
 - ۱۴- اصل نوسازی مبتنی بر تحولات اجتماعی.
- پلیس برای تأثیرگذاری نیاز به سرمایه اجتماعی دارد و این سرمایه اجتماعی مرتبط با چند موضوع است که عبارتند از:

- ۱- آگاهی؛
 - ۲- هنجاره؛
 - ۳- اعتماد؛
 - ۴- مشارکت؛
 - ۵- تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها؛
 - ۶- قابلیت و همکاری سازمانی.
- این سرمایه اجتماعی باعث استحکام خانواده‌ها و تحقق امنیت در جامعه می‌گردد. هم‌چنین میزان جرائم را هم کاهش داده، باعث ترویج و تقویت هنجارها و ارزش‌هایی می‌شود که مانع وقوع رفتار جرم‌آمیز شده و تقویت پیوندهای اجتماعی، مانع انواع بزه و خشونت می‌گردد. پلیس به امنیت مردم اهمیت می‌دهد و مردم نیز امنیت نظام را در اولویت قرار می‌دهند تا نظام بتواند از کیان کشور دفاع کند، ارزش‌های جامعه را پاس بدارد و آرامش

و رفاه مردم را فراهم کند. در سایه امنیت فراگیر خلاقیت و پویایی افراد شکوفا شده و به طور کلی بهره‌وری در جامعه در همه زمینه‌ها افزایش می‌یابد.

نقش افراد جامعه، والدین، نوجوانان و جوانان، در مقوله امنیت بسیار با اهمیت است و ارتباط پلیس با خانواده‌ها برای تامین امنیت جامعه، یک ارتباط باارزش و اثرگذار ارزیابی می‌شود. در جامعه، پلیس نقش ناظم را دارد و برقراری اصل انضباط بر عهده خود خانواده‌ها و فرهنگ جامعه است. نهادینه کردن مشارکت خانواده‌ها و تنظیم روابط و تعامل خانواده‌ها با پلیس از مهم‌ترین اصول برای برقراری امنیت در جامعه است.

امنیت و رابطه آن با تعامل خانواده‌ها و پلیس

قبل از این که به رابطه خانواده، پلیس و امنیت بپردازیم، باید چند نکته را یادآور شویم: مجرمین دسته‌ای از افراد در جامعه هستند که تهدیدکننده ایمنی و آرامش مردم هستند. پیدایش مجرم رابطه بسیار بالایی با خانواده دارد. حتی بیماری‌ها و اختلال‌هایی که به عنوان بیماری‌های واسطه برای ایجاد جرم به حساب می‌آیند، مثل شخصیت ضداجتماعی، افرادی با این ویژگی، مستعد انجام جرم هستند و البته به این معنی نیست که هر کس شخصیت ضداجتماعی دارد حتماً مجرم خواهد شد، اما این‌ها مستعد انجام جرم هستند.

تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد بیشتر مجرمین شخصیت ضداجتماعی دارند و کسانی که سابقه دروغ‌گویی، پرخاشگری، آغازکننده دعوا و فرار از مدرسه داشته‌اند و به‌طور خلاصه افراد بزه‌کار از خانواده‌های طلاق، نامنسجم و... به وجود آمده‌اند؛ در حالی که خانواده‌ای که منسجم و دارای روابط سالم است کمتر در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرد.

در گذشته خانواده به شکل سنتی اداره می‌شد. گاهی اوقات خانواده به صورت یک قطبی اداره می‌شد و پدر قطب اصلی و رأس خانواده بود؛ در بعضی خانواده‌ها این الگو به زن منتقل می‌شد. اما امروزه این قضیه در خانواده با فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت است.

وقتی فردی احساس محرومیت می‌کند، اگر با روش‌های امن و قانونی نتواند محرومیت خود را از بین ببرد، به سمت روش‌های ناامن حرکت خواهد کرد. محرومیت‌ها به خودی خود نمی‌توانند منبع ناامنی باشند. «این تلقی آدم‌ها از محرومیت است که ناامنی ایجاد می‌کند، نحوه

برداشت ما و تعبیر و تفسیر ما از محرومیت‌ها است که برای ما ایجاد مشکل می‌کند» (بهرامی و هادی، ۱۳۸۴)

گاهی در خانواده و جامعه آنقدر محرومیت بزرگ می‌شود و واجد بار و ارزش کاذب می‌شود که یک عامل جدی برای شکست هنجارها و تخطی از ارزش‌ها می‌شود. انتظارات جوانان (مثلاً هر از گاهی نتواند لباسش را تغییر دهد) تولیدکننده محرومیت‌هایی است که ذاتاً اصالت ندارد. بنابراین بخشی از این انتظارات نادرست، کاذب و غیرواقعی است. اینجاست که حمایت‌های اجتماعی باید امنیت و احساس امنیت را در جامعه با خدمات خود برقرار نماید.

تحقیقات نشان داده است که حاشیه شهرها یکی از منابع اصلی ایجاد بزه و جرم است. در این مکان‌ها بزه تولید و تکثیر می‌شود. حجم گردش مواد مخدر در چنین مکان‌هایی زیاد است و این مسأله منحصر به ایران نیست.

تعارضات اجتماعی هم در احساس امنیت بسیار مؤثر هستند. اگر بین طبقات بالا و پایین اقتصادی فاصله زیاد باشد، دو نوع زندگی شکل می‌گیرد که خیلی با هم هماهنگی ندارند و افراد کمتر همدیگر را درک می‌کنند حال باید به دنبال الگویی باشیم تا بتوانیم امنیت و احساس امنیت را در جامعه بالا ببریم.

اگر بتوانیم در سطح خانواده دخالت کنیم و خانواده را از کاستی‌های خود جدا کنیم و سپس مهارت‌ها را به شهروندان بیاموزیم، الگوهای مناسب ارتباط و الگوهای مناسب حل مشکل و تا حدی تفکر سالم را یاد بدهیم و در سطح اجتماعی هم مداخله کنیم تا حدی مسأله حل می‌شود. وجود فقر، بیکاری و مشکلات عدیده اقتصادی، ضعف در سیستم کنترل اجتماعی، گسیختگی ارزشی باعث اختلال در جامعه گشته و مشارکت افراد را در تامین و حفظ امنیت کاهش می‌دهد. این افراد نسبت به دیگران با بی‌توجهی عام نظر می‌کنند، میان آن‌ها هنجارهای تنظیم‌کننده روابط اجتماعی به شدت تضعیف شده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قبال حقوق دیگران آسیب می‌بیند.

احساسی که در سایه آن بی‌تفاوتی اجتماعی ایجاد می‌شود، بی‌اعتمادی به دیگران است که مانع رشد و خلاقیت افراد گشته و در نهایت مانع رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی شهرها می‌گردد.

یک نکته هشداردهنده در اسلام وجود دارد و آن این است که بسیاری از آشفتگی‌ها و ویرانی‌های روحی و اخلاقی نسل حاضر، ناشی از شرایط تربیتی گذشته است. غفلت‌ها، جهل‌ها و ناآگاهی‌ها، دشواری‌آفرین‌اند و عدم سعی لازم برای به ثمر رساندن‌ها، کشف‌ها و سازندگی‌ها، دردآفرین می‌باشند.

در بینش اسلامی، والدین نخستین مسئولان حفظ فرزندان به عنوان امانت‌های خداوند هستند و باید آن‌ها را در مقابل مخاطرات جامعه مقاوم سازند تا آنان بعدها در معرض خطر انحراف قرار نگیرند. در همین رابطه قرآن می‌فرماید: علیک انفسکم لایضرکم من ضل اذا هدیتم. "اگر آدمی ساخته شده باشد، سقوط و انحراف‌های دیگران در او اثر نخواهد گذارد." در خانواده‌های سالم، پیام و انتظارات والدین روشن و قابل درک است و به احساسات فرزندان اهمیت داده می‌شود و آن‌ها مورد احترام قرار می‌گیرند و پدر و مادر در حکم دوستان و راهنمایان هستند. در خانواده محدودیت منطقی حکمفرماست و در آن هرج و مرج وجود ندارد.

مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوع در میان این خانواده، زندگی کردن با عشق است و فرزندان این مفهوم را درک می‌کنند. زمانی که جوان در محیط گرم خانواده با آموزش صحیح، رفتارهای اجتماعی را بیاموزد، احساس آرامش و امنیت پیدا می‌کند و از طرف دیگر پلیس خود و پلیس شهر خود می‌شود.

عوامل مختلفی در انحراف و جرم‌زدایی جوانان مؤثر هستند که از جمله آن‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد:

- جهل‌ها و ناآگاهی از امور، جریان‌ات، وظایف و مسئولیت‌ها، مرزهای اعتقادی و دینداری و دین‌باوری؛
- ضعف عقیده و ایمان و عدم باور به خدا و جزا و معاد؛
- بی‌خبری از شیوه مدیریت بر خود و تسلط بر نفس، ضعف اعتماد به نفس یا از دست رفتن عزت نفس؛
- عدم دوراندیشی‌ها و عاقبت‌نگری‌ها؛
- ضعف اراده که سبب بی‌مقاومتی در برابر جریان‌ات و حوادث است؛

- وجود الگوهای نامناسب بی‌بند و باری در خانه، مدرسه و جامعه و...؛
- سادگی، ظاهرینی، آسان‌گیری و زودباوری که سبب تسلیم شدن می‌شود.

راهبرد اجرایی مقابله با عوامل ضد امنیت در خانواده

عوامل گوناگونی را باید از همان کودکی مدنظر داشته باشیم، عواملی چون:

الف) آموزش تدریجی

- آگاهی‌هایی که به صورت تدریجی و فزاینده بر فرد عرضه می‌گردد باید با توجه به شرایط و مقتضیات سنی و عقلی فرد باشد. این آگاهی‌ها عبارتند از:
- ۱- آگاهی در زمینه دین و اعتقاد و ایمان به آن؛
 - ۲- آگاهی در زمینه فلسفه و هدف زندگی؛
 - ۳- آگاهی با جریانات تأثیرگذار در زندگی؛
 - ۴- آگاهی در زمینه حلال و حرام‌ها و تشکیل خانواده و قداست آن.

ب) ارائه مدل و نمونه

از همان کودکی چشمان می‌بینند و گوش‌ها می‌شنوند. بخش مهمی از آموخته‌های انسان را همین دیده‌ها و شنیده‌ها در بر می‌گیرند. والدین و معلمان جزء اولین کسانی هستند که الگو و نمونه‌ای برای فرد قرار می‌گیرند. شاهد، گواه و مدل در قرآن کریم به رسول اکرم (ص) و ائمه معصوم و شهدا اطلاق شده است (سوره بقره آیه ۱۳۷ - سوره احزاب آیه ۴۷). از مردم خواسته شده که در خط و راه و روش خویش او را اسوه قرار دهند و به هر دو تأسی کنند. روان‌شناسان دینی معتقدند بسیاری از تعالیم دینی اسلام باید از همین راه به فرد آموزش داده شود. مثل رعایت حلال و حرام، شرافت و عفاف، نماز و روزه، حج و... .

ج) تمرین و ایجاد عادت

شوق و رغبتی که والدین و سپس معلمان در فرد ایجاد می‌کنند تا اعمال دینی را تقلید و عمل نماید، وصف ناشدنی است. تشویق به عادت و عادت دادن به روزه و بیدار کردن در سحر و...

بسیار مؤثر است. مسأله تمرین و عادت از کودکی شروع و تا جوانی ادامه می‌یابد، به ویژه زمانی که اعمال و کردار با فهم و تبیین آمیخته می‌شود، اثرات سودمندی در سازندگی و جهت‌دهی ایفاء می‌کند.

د) امتناع عاطفی

سفارش شده والدین محبت خود را به فرزندان اعلام و ابراز دارند. اما باید به نکاتی توجه داشت:

۱- محبت والدین مورد سوءاستفاده و لغزش قرار نگیرد و از خود راضی و پرتوقع بار نیایند؛

۲- به دختران محبت بیشتری نسبت به پسران داشته باشند. زیرا امتناع یا عدم امتناع عاطفی، در وضع شرافت حال و آینده آنان مؤثر است؛

۳- محبت باید واقعی باشد نه تصنعی. محبت تصنعی را فرزندان می‌فهمند و از آن نفرت دارند. البته مواردی چون فقر خانوادگی، برقراری و بزه‌کاری‌ها، به امنیت جامعه خدشه وارد می‌کند.

بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی هم‌چون اعتیاد، قتل و جنایت، افزایش آمار طلاق، دزدی، خودکشی، افسردگی، ناراحتی‌های روحی روانی و اختلالات و اکیپ‌های اجتماعی از پیامدهای مصیبت‌بار فقر است.

خانواده‌ای که بنیادش بر مبنای ایمان به خدا، محبت، صمیمیت و همدلی ایجاد شده باشد می‌تواند چگونگی برقراری ارتباط صحیح با همجنس یا غیرهمجنس را در محیط خانه و در خارج از آن به اعضایش آموزش دهد. آموزش‌های صحیح دینی، اجتماعی و اخلاقی خانواده، پشتوانه‌ای در تامین امنیت و آسایش و اطمینان قلبی فرزندان می‌باشد و باعث جلوگیری از بروز تمامی بزه‌کاری‌ها و انحرافات نوجوانان و جوانان می‌شود. اما اگر خشونت و بدرفتاری والدین با فرزندان در خانواده زیاد از حد باشد، پدیده‌هایی مانند فرار از خانه و گرفتار شدن در باندهای بزه‌کاری و فساد بیشتر می‌شود که در این صورت نقش پلیس برای یاری رساندن به جوانان و خانواده‌ها بسیار مؤثر است. مهم‌ترین مؤلفه‌های گرایش نوجوان و جوان به اعتیاد و مواد مخدر در نهاد خانواده عبارتند از عدم شناخت و آگاهی خانواده‌ها، اعتیاد

والدین، کمبود محبت، افراط در محبت، خشونت در خانواده، آشفتگی کانون خانواده، کنترل بیش از حد فرزندان، اختلاف والدین و مشغله کاری آنان همگی عواملی هستند که می‌توانند جوان را به سمت مواد مخدر بکشانند.

این که خانواده چه میزان به روش‌ها و دستورهای اخلاقی اهمیت دهد و آن‌ها را در فرایند زندگی حاکم کند، می‌تواند اعضای خانواده را در برابر انواع انحرافات از جمله اعتیاد بیمه کند. به نظر می‌رسد استفاده از مواد مخدر بیشتر نوعی واکنش نسبت به مشکلات و روان‌شناختی هم‌چون افسردگی، اضطراب و ضعف عزت نفس می‌باشد.

فرهنگ انسان‌ساز اسلام با تشویق به استحکام خانواده و توجه و محبت به فرزندان، شخصیت دادن به آنان با دید باز، با نهي کردن مصرف مشروبات الکلی و نیز استعمال مواد مخدری که با کشاندن فرد به سستی، مستی و بزه‌کاری، انسانیت او را تهدید می‌کند و زندگی‌اش را تباه می‌سازد، زمینه رشد و تعالی اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی فرد و جامعه را فراهم می‌سازد.

دیگر این که پلیس در راستای ارتقاء نقش خانواده در تربیت اصولی فرزندان، با انجام تبلیغات گسترده و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها با عوامل اجرایی مغل امنیت به صورت ریشه‌ای و پیشگیرانه به مبارزه پرداخته و با پرهیز از بحث‌های کلیشه‌ای، اطلاعات را به صورت شفاف و متناسب با اقشار مختلف، در اختیار آنان قرار داده تا خانواده بتواند در موقعیت‌های متفاوت، مطابق با شرایط موجود، عکس‌العمل مناسبی را از خود ارائه دهد و پلیس را در پیشگیری از وقوع جرم یاری رساند.

نتیجه‌گیری:

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان در همه جوامع نیاز به امنیت و آرامش است و حکومت‌ها با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص خود نسبت به تامین آن همت می‌گذارند.

در کشور ما پلیس در کنار سایر ارگان‌های مسئول، مسئولیت خطیر برقراری امنیت را بر عهده دارد و با فعالیت‌های متنوع خود در فراهم نمودن محیطی امن توأم با آسایش فردی برای اقشار مختلف اجتماعی نقش دارد.

بی‌شک پلیس زمانی می‌تواند به هدف والای خود برسد که مردم و نهادهای مختلف با پلیس در تعامل بوده و مشارکتی فعال داشته باشند.

نحوه عملکرد پلیس و از سوی دیگر اعتماد خانواده‌ها به عنوان دو عنصر اساسی در کنار سایر عواملی هم چون رویکرد پلیس در انجام وظایف خود، احساس امنیت، اطاعت‌پذیری، قانون‌مداری و... از جمله عواملی هستند که در برقراری و تحکیم تعامل پلیس و خانواده‌ها نقش مؤثری دارد.

خانواده‌ها باید با توجه به ویژگی‌ها، تفاوت‌ها، ادراکات و قابلیت‌های فرزندان خویش از روش‌های مختلف برای تربیت آن‌ها استفاده نمایند. از جمله این روش‌ها می‌توان به روش آگاهی‌بخشی، دعوت به تفکر، تحریک عواطف، عبرت‌آموزی، تکریم تکرار و تلفیق و روش الگویی استفاده شود و خلاصه این که صلاحیت اخلاقی را سرآمد دیگر شایستگی‌ها قرار داده و تهذیب نفس را در خود و فرزندان‌شان تقویت نماید.

پلیس نیز با انجام تبلیغات گسترده و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها با عوامل اجرایی محل امنیت در مناطق به مبارزه پرداخته و با پرهیز از بحث‌های کلیشه‌ای اطلاعات را به صورت شفاف و متناسب با اقصاء مختلف در اختیار آنان قرار داده تا خانواده‌ها بتوانند در موقعیت‌های متفاوت، مطابق با شرایط موجود، عکس‌العمل مناسبی را از خود ارائه دهند و پلیس را در پیشگیری از وقوع جرم یاری رسانند.

نهاد خانواده مهم‌ترین عامل در تربیت انسان‌ها بوده و خروجی آن نیز تأثیرگذار در محیط اجتماعی است، تولید امنیت حاصل یک کار جمعی بوده و پلیس در حفظ امنیت نقش مؤثر ایفاء می‌کند. نتایج تعاملات خانواده و اجتماع و پلیس افزایش احساس امنیت است که برای رسیدن به این احساس راه‌کارها و پیشنهادات ذیل توصیه می‌شود:

۱- بررسی علمی برای شناخت و تغییر شاخص تأثیرگذار خانواده‌ها و تعامل آن‌ها با پلیس؛

۲- توجه به نظرات خانواده‌ها در راستای تصمیم‌گیری‌ها و همچنین در رفع نواقص و معایب؛

۳- افزایش خدمات انتظامی و اجتماعی پلیس به مردم؛

۴- توسعه اطلاع‌رسانی و بهره‌گیری از سیستم رایانه‌ای و گسترش فرهنگ تعامل میان مردم و پلیس؛

۵- آموزش مستمر نیروهای پلیس از نظر اخلاقی و اعتقادی؛

- ۶- استفاده از نیروهای آشنا به فرهنگ بومی منطقه در انجام ماموریت‌ها؛
- ۷- برخورد مقتدرانه با عواملی که منجر به از بین رفتن امنیت می‌شود؛
- ۸- آگاهی بخشی به خانواده‌ها و فرهنگ‌سازی برای پرورش و تربیت جوانان و استفاده از روش‌های ابتکاری؛
- ۹- ایجاد فرصت آموزش برای خانواده‌ها در زمینه نقش و مسئولیت‌های والدین؛
- ۱۰- تاکید رسانه‌های جمعی بر وظیفه خانواده، تعلیم ارزش‌های بنیادین، ارتقای شخصیت، تشویق جوانان و احترام به عقاید آنان؛
- ۱۱- آگاهی به راه‌های بازدارنده جذب جوانان به مواد مخدر؛
- ۱۲- پیام‌رسانی مناسب رسانه‌های جمعی برای آگاهی خانواده‌ها و جوانان از عوارض انحرافات؛
- ۱۳- ساماندهی پلیس جامعه‌محور با اهداف پیشگیری از وقوع بزه و جرائم؛
- ۱۴- افزایش سطح تعاملات پلیس با نهادهای دولتی و مردمی در جهت افزایش حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از امور موازی؛
- ۱۵- تقویت مراکز مشاوره و حوزه فعالیت معاونت اجتماعی ناجا در انجام ماموریت آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و مساعد کردن زمینه مشارکت مردم در برقراری امنیت؛
- ۱۶- نشست‌های تخصصی صاحبان نظر در مورد نقش بی‌بدیل خانواده‌ها در تنزل بزه‌کاری فرزندان از طریق صدا و سیما و در قالب فیلم‌های جالب و جذاب؛
- ۱۷- فعال کردن کلاس‌های تربیتی و اخلاقی در سطح مدارس و آموزشگاه‌ها و استفاده از مربیان ماهر و مجرب؛
- ۱۸- افزایش فعالیت‌های فرهنگی در جهت کاهش مصرف مواد افیونی و بی‌میلی به جرائم و ایجاد فاصله بین عرضه و تقاضا؛

منابع :

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶)، *مدخلی بر مفاهیم و دکترین های امنیت ملی*، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور
- استادان طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۷۹)، *خانواده و فرزندان*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- موریش، رایور (۱۳۷۳)، *درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، مرکز دانشگاهی.
- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، *خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه*، تهران، مرکز نظر دانشگاهی.
- قائمی، علی (۱۳۶۹)، *کودک و خانواده نابسامان*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- خوش فر، غلامرضا (۱۳۷۸)، *نقش امنیت در تحقق قانون گرایی در جامعه*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۴.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴)، *چندگانگی امنیت*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳ و ۲.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، *چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳ و ۲.
- تقوی، نعمت الله (۱۳۷۴)، *جامعه شناسی خانواده*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲)، *روابط بین المللی در تئوری و عمل*، تهران، نشر قومس.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۵)، *جامعه شناسی جنایی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- میر خلیلی، سید محمود (۱۳۷۸)، *پیشگیری از بزه کاری*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- میر محمد صادقی، محمد حسین (۱۳۸۲)، *پیشگیری از وقوع جرم*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم.

- نجفی ابرندآبادی (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزه کاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶.
- عبدی، توحید (۱۳۸۳)، تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.